

ایران در سال 58 وارزیابی حزب توده ایران از آن شرایط

هم میهنان عزیز

همه مردم ایران و همه مبارزان ضدامپریالیست و آزادیخواه در سراسر جهان در این ارزیابی شریکند که، انقلاب مردم ایران به پیروزی تاریخی کم نظیری در جهان نایل گردیده است.

در جریان این انقلاب، همه مردم ایران، به جز اقلیت کوچکی خائن و مزدور و غارتگر، فعالانه شرکت داشتند. مردم با همبستگی و همکاری خود، یکی از مهمترین دزلهای تسلط اهریمنی امپریالیسم و ارتجاع را در هم شکستند، ولی همان طور که امام خمینی بارها یادآور شده اند، وزنه اساسی این نبرد زندگی و مرگ بر دوش زحمتکشان شهر و روستا و مبارزان جان بر کف انقلابی قرار داشته است، که با نثار ده ها هزار قربانی، پایه های کاخ استبداد آمریکا - اسرائیل - شاه - ساواک را متزلزل ساختند و با ضربه نهائی آن را فرو ریختند.

انقلاب پیروزمند ایران، با دستاوردهای بسیار چشمگیری که در همین دوران کوتاه داشته، توانسته است تناسب نیروها را در منطقه و در سراسر جهان، به طور محسوس به سود جنبش رهائی بخش ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی و ضد نژادپرستی تغییر دهد. فروریزی نظام جهانی استبداد سلطنتی سرنگون شده، استقرار جمهوری اسلامی، با هدف های والائی که در راه تامین استقلال ملی، آزادی، بهبود شرایط زندگی زحمتکشان و پیشرفت همه جانبه اجتماعی در پیش گرفته است، از هم پاشیده شدن سازمان جنایت کار ساواک، مجازات خائنین به منافع ملی و آزادی های فردی و اجتماعی، در هم شکسته شدن ماشین نظامی تجاوز کار امپریالیسم آمریکا، اخراج ده ها هزار مستشار آمریکائی که همه شریان های حیاتی زندگی اجتماعی ما را قبضه کرده بودند، لغو قراردادهای اسارت آور کاپیتولاسیون، سنتو، خرید میلیاردها دلار جنگ افزار و تاسیسات صنعتی و غیر ضروری، بیرون کشیدن صنایع و صادرات نفت از چنگال های حریص و خون آلود انحصارهای نفتی امپریالیستی، بازخواندن ارتش ایران از ظفار، قطع مناسبات سیاسی با رژیم سادات خائن، امتناع فروش نفت به اسرائیل و نژادپرستان جنوب افریقا - این ها همه دستاوردهای چشمگیر و با اهمیت انقلاب ایران در این مدت کوتاه است.

وظیفه مردم قهرمان ایرانست که از این دستاوردها با تمام نیرو پاسداری کنند، آن ها را تثبیت و تحکیم نمایند و بیش از پیش در تمام زمینه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و ملی گسترش دهند.

در عین حال نباید فراموش کنیم که انقلاب ایران یکی از دشوارترین دوران های تحکیم و تثبیت پیروزی خود را می گذراند و بر سر این روند تحکیم و تثبیت، با دشواری های بسیار جدی روبرو شده و می شود.

از سوی دیگر ما شاهد آن هستیم که با کمال تأسف، در زمینه شناخت این دشواری ها، راه از بین برداشتن شان، در میان نیروهای ملی دید یگانه ای وجود ندارد و در نتیجه عمل متحد و پیگیری انجام نمی گیرد. تردید نمی توان داشت که با ادامه این وضع، خطرات جدی مهمترین دستاوردهای انقلاب را مورد تهدید قرار می دهد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران با احساس مسئولیت تاریخی می کوشد ارزیابی خویش را از وضع کشور در لحظه کنونی، در اختیار همه نیروهای راستین هوادار پیروزی انقلاب ایران قرار دهد و همه نیروها را به اهمیت حیاتی و درنگ ناپذیر وحدت نظر و اتحاد عملی، علیه دشمنان رنگارنگ انقلاب فرا خواند.

به نظر ما ویژگی های لحظه کنونی در کشور چنین است که:

- عوامل گوناگون بحران در همه زمینه های زندگی اجتماعی شدت می یابد.
- ضد انقلاب (یعنی امپریالیسم و ارتجاع داخلی) با بهره برداری از نابسامانی ها هر روز گستاخ تر می گردد.
- سازشکاران، نبرد نیروهای انقلابی خلق را علیه ضد انقلاب فلج می کنند.
- تفرقه اندازان و انحصارطلبان مبارزه مردم را از سمتگیری اصلی منحرف می سازند.

- بخش های مهمی از نیروهای راستین انقلاب ضروریات حیاتی و عمده پیروزی انقلاب را یا فراموش کرده اند و یا بدان کم بها می دهند و خود را با مسائل فرعی و درجه دوم مشغول می سازند.

همه این ها، همراه هم، موجبات ضعف جنبش انقلابی میهن ما را فراهم آورده است. تنها از راه شناخت درست ریشه های بحران کنونی و گروه های عمده آن و با تلاش، برای خنثی ساختن پیامدهای زیانبخش شان، می توان راه تثبیت پیروزی های انقلاب را همواره ساخت. به نظر حزب توده ایران، پیش از آن که به تحلیل جوانب گوناگون ویژگی های بالا بپردازیم، ضرورت دارد روشن شود که دشمنان اصلی انقلاب ایران کیانند، هدف هایشان چیست و چه شیوه هایی را در لحظه کنونی برای رسیدن به این هدف ها بکار می برند. این امر از آن جهت ضرورت درجه اول دارد که درباره اش، متاسفانه، میان نیروهائی که خود را هوادار انقلاب ایران می دانند، اختلاف نظر عمیق وجود دارد. برای نمونه می توان به ارزیابی های گوناگون برخی از اعضای دولت موقت جمهوری اسلامی ایران، درباره دخالت گستاخانه امپریالیسم آمریکا در امور داخلی ایران، اشاره کرد که جهت گیری روشن آن، کنار گذاشتن امپریالیسم آمریکا، نه تنها به عنوان دشمن اصلی، بلکه حتی به عنوان یکی از دشمنان اصلی انقلاب ایران است. این ارزیابی ها، با ارزیابی اکثریت مردم ایران، با ارزیابی مکرر امام خمینی، که با شدت تمام در تظاهرات چند میلیونی روزهای اخیر در سراسر کشور بازتاب یافته است، در تضاد آشکار است. از اینروست که به نظر ما مهمترین مسئله مورد توجه باید همین امر مشخص ساختن دشمنان انقلاب ایران، هدف ها و شیوه های عمل آن ها برای رسیدن به این هدف ها باشد.

دشمنان انقلاب ایران

به نظر ما دشمن اصلی انقلاب ایران امپریالیسم غارتگر جهانی، به سرکردگی امپریالیسم متجاوز آمریکا و همدستان ایرانی آنان، یعنی سرمایه داران و زمین داران بزرگ وابسته به امپریالیست ها است. هرگونه تلاش برای منحرف ساختن افکار عمومی مردم انقلابی ایران از سمتگیری بدون تزلزل علیه این دشمن اصلی، چه آگاهانه باشد و چه بر پایه ارزیابی و یا شناخت نادرست از واقعیت، به زیان جبران ناپذیری برای جنبش میهن ما تمام می شود.

امپریالیسم جهانی (که امپریالیسم آمریکا در راس آن قرار دارد) تا پیش از پیروزی انقلاب کبیر اکتبر در روسیه، سراسر جهان را با چکمه های به خون آغشته خود لگد مال می کرد. امپریالیسم با آن که در دوران 60 ساله اخیر در قبال جنبش عظیم و جبهه نیرومند ضد امپریالیستی جهان، مواضع زیادی را از دست داده است، هنوز اساس ارتجاع سیاه جهانی است.

امپریالیسم جهانی، یعنی انحصارهای نفت خوار، انحصارهای جهانی تولید کننده جنگ افزارها، بانک های غارتگر امپریالیستی، انحصارهای جهانی و باصطلاح مافوق ملی در همه رشته های صنعتی و کشاورزی و بازرگانی و ترابری و . . .

این امپریالیسم جهانی، که نیرومندترین هسته آن را امپریالیسم امریکا تشکیل می دهد، برای برقراری تسلط جهانی خود، ابزار و جنگ افزار بسیار گوناگونی را در اختیار دارد و بر حسب شرایط سیاسی، زمانی، جغرافیائی، ملی و غیره، این و یا آن ابزار را به کار می اندازد. تجاوز آشکار با نیروهای نظامی (مانند ویتنام)، توطئه های کودتائی (مانند ایران - در 28 مرداد 1332 -، اندونزی، شیلی و ده ها کشور دیگر آسیا و آفریقا و امریکای لاتین)، خریدن خائنین (مانند مصر و سودان) و تحریکات از راه استفاده از جریان «سیاسی» و «مذهبی» و «ملی گرایی» خاص مانند فراماسونری، صهیونیسم، بهائیکری، سازمان های فاشیستی و سازمان های نژادپرست و ده ها و ده ها جریان سیاسی و مذهبی رنگارنگ دیگر، همه این ها ابزارهای گوناگون امپریالیسم جهانی هستند.

و در کشور ما ایران، از همان آغاز استیلای خاندان پهلوی، پایه های تسلط امپریالیسم جهانی گذاشته شد و صرفنظر از دوزان های کوتاه تزلزل، هر روز این پایه ها مستحکم تر گردید. اگر این تسلط امپریالیستی در دوران پیش از جنگ دوم جهانی و سال های اول پس از آن، با برخی رقابت ها بین امپریالیست های امریکائی و انگلیسی و آلمانی همراه بود، پس از کودتی 28 مرداد این تسلط امپریالیستی به سرکردگی امپریالیسم امریکا، به طور مشترک و جمعی مستقر شد و میهن ما به غارتگاه بی بند و بار همه امپریالیست ها، که صهیونیسم یکی از اجزاء متشکله آن است، بدل گردید. غارت ثروت های عظیم نفتی میهن ما، تحمیل میلیاردها جنگ افزار زائد و بی فائده، وادار کردن دولت دست نشاندۀ به خرج میلیاردها دلار از ثروت ملی برای تدارکات نظامی استراتژیک امریکا، صدور بی بند و بار کالاهای مصرفی گران قیمت، صدور تاسیسات صنعتی چند برابر قیمت های بین المللی، تحمیل بی تناسب صنایع مونتاژ به جای صنایع مادر، تبدیل ایران به موازات اسرائیل، به دومین پایگاه تجاوز امپریالیستی برای سرکوب جنبش های ضد امپریالیستی در منطقه خلیج فارس و خاور نزدیک و میانه، تبدیل ایران به بزرگترین پایگاه جاسوسی و تدارکی تجاوز علیه اتحاد شوروی و سایر کشورهای ضد امپریالیست در منطقه، تحمیل ده ها و ده ها هزار کارشناس «نظامی» و «فنی» و «اقتصادی» و غیره، نابود کردن کشاورزی ایران و وابسته کردن تمام زندگی روزمره میهن ما به اقتصاد امپریالیستی، این ها همه و همه طبق نقشه مشترک و هماهنگ همه امپریالیست ها، به سرکردگی امپریالیسم امریکا بوده است.

انقلاب ایران به منافع حیاتی اقتصادی و استراتژیک نظامی همه این امپریالیست ها و طبقه حاکمه وابسته به آنان، ضربه سهمگین و دردناکی وارد ساخت و ما شاهد آن هستیم که زوزه این گرگ های درنده زخم خورده علیه دستاوردهای انقلاب ایران در سراسر جهان طنین انداخته است و تحریکات محافل ارتجاعی وابسته به امپریالیسم در ایران هر روز دامنه دارتر می گردد.

نیروهای امپریالیستی هنوز در کشور ما پایگاه های نیرومندی را در اختیار دارند. این پایگاه ها در دستگاه دولتی، در بازماندگان مخفی و علنی ساواک، در اقتصاد کشور و در میان گروه های وابسته به طبقات حاکمه فراری و بلندگویان «روشنفکر» نمای شان است. از این پایگاه ها است که جبهه متحد امپریالیست ها و در پیشاپیش شان امپریالیست های امریکائی و صهیونیست ها و محافل ارتجاعی ایران، که در امریکا و اروپای غربی و اسرائیل لنگر انداخته اند، علیه انقلاب ایران توطئه می کنند.

هدف این نیروهای امپریالیستی این است که، انقلاب ایران را با شکست روبرو سازند و به این یا آن شکل، اوضاع گذشته را، با نقاب یا بی نقاب، باز گردانند. وسایل و شیوه هایی

که دشمنان انقلاب در این توطئه خطرناک به کار می برند، همان وسایل و شیوه های شناخته شده توطئه های امپریالیستی و ارتجاعی در طول تاریخ طولانی مبارزان خلق ها است، یعنی:

- **جلوگیری از تثبیت اوضاع اقتصادی و ایجاد دشواری های ساختگی تازه در این میدان، جلوگیری از بکار افتادن کارخانه ها، کارگاه ها، دامن زدن به هرج و مرج اقتصادی و بالا بردن قیمت های خواربار و وسایل مصرفی مورد احتیاج مردم.**
- **جلوگیری از تثبیت اوضاع اجتماعی و دامن زدن به هرج و مرج، مشغول کردن مردم به مبارزات خانگی و منحرف کردن مردم از مبارزه علیه دشمن اصلی.**
- **ترویج ناامنی، ترور، کشتار، دزدی، غارتگری و پخش مواد مخدر قاچاق.**
- **به جان هم انداختن احزاب، سازمان ها و گروه های سیاسی و ایجاد تفرقه.**

در این میدان مفسده جویان، که متأسفانه بر اثر غفلت نیروهای انقلابی، در بسیاری از نقاط رخنه کرده و سنگرهای حساسی را در دست گرفته اند، نقش تخریبی خطرناکی را ایفا می کنند. اینان گاه مانند پالیزبان ها علناً به سازماندهی نیروهای سیاه آدمکش می پردازند و گاه با ماسک «روحانی» (مانند حمای ها، که از همکاران ساواک بوده و ماهرانه خود را در میان هواداران نزدیک امام خمینی جا داده بودند) بدین منظور که مناسبات برادرانه آن ها را با روحانیون میهن پرست و انقلابی تیره سازند، نیروهای میهن پرست چپ را مورد حمله قرار می دهند، گاه با ماسک «روشنفکر ماوراءانقلابی» و «هواداران انقلاب کارگری»، جبهه امپریالیسم و ارتجاع را به دست فراموشی سپرده، ناجوانمردانه حزب توده ایران را به باد تهمت و افترا می گیرند و گاه به صورت «هواداران آزادی»، نیروهای انقلابی روحانی و مذهبی را هدف عمده و اساسی مبارزات «انقلابی» خود قرار می دهند.

به هیچ وجه زیاده روی نیست اگر ادعا کنیم که بازماندگان رژیم سرنگون شده و کارگزاران سیای امریکا و انتلیجنس سرویس انگلیس و موساد اسرائیل و مائونیست های سوگند خورده و سایر سازمان های تبهکار، در همه این لباس ها مشغول خرابکاری علیه انقلاب ایران هستند.

موضع گیری نسبت به این جبهه متحد دشمنان انقلاب ایران و برخورد با شیوه های که بکار میبرند، در جهت گیری کلی، برای مقابله با مشکلات موجود بر سر راه تثبیت و تحکیم دستاوردهای انقلاب و تعمیق آن، در جهت منافع و خواست های توده های ده ها میلیونی مردم زحمتکش شهر و روستا، دارای اهمیت تعیین کننده است.

ولی با کمال تأسف این موضع گیری و این برخورد یکسان نیست. بطور کلی 3 برخورد زیرین در میدان سیاست در ایران دیده می شود:

1 - برخورد نیروهای راستین انقلابی

برای این نیروها، امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی انقلاب ایران است و باید همه نیروها را در جهت برانداختن تسلط نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و فکری این دشمن اصلی بکار انداخت. صهیونیسم یکی از مهمترین ابزارهای تسلط و توطئه های امپریالیستی و مسلماً فعال ترین دشمن انقلاب ایران در منطقه است و باید با تمام نیرو در راه در هم شکستن این سنگر عمده دشمن در منطقه تلاش کرد. این برخورد، که بطور روشن و پیگیر در ارزیابی های امام خمینی بازتاب یافته و می یابد، مورد تأیید کامل حزب توده ایران است.

2 - برخورد نیروهای راست وابسته به سرمایه داری لیبرال ایران

این نیروها معتقدند که امپریالیست های امریکائی و همدستان اروپائیشان دیگر خطری برای ایران نیستند. خطر برای انقلاب ایران، در درجه اول، از طرف نیروهای خلق است که خواستار امتیازات «زیادی» (!) هستند. باید اقتصاد ایران را بر پایه توسعه همکاری

با کشورهای غرب، بر پایه تقویت همان قشر سرمایه داران وابسته باز سازی کرد. زحمتکشان در انقلاب چیزی از دست نداده اند. «ضرر عمده» متوجه سرمایه داران و تجار شده است. این نیروها هر گونه تحریک و ناامنی و خرابکاری و توطئه را، بدون هیچ پروائی به نیروهای انقلابی خلقی و توده ای نسبت می دهند.

این موضع گیری خطرناک، که عملاً در سیاست دولت موقت بازتاب یافته است، تا آنجا می رود که در اظهارات بسیاری از مقامات رسمی، بزحمت و بسیار کمیاب از تحریکات عمال امپریالیسم و بویژه امپریالیسم امریکا و سرمایه داران وابسته به امپریالیسم و حتی عمال ساواک می توان ذکری یافت.

3 - برخورد نیروهای افراطی چپ و راست

این نیروها در عین این که امپریالیسم و کارگزارانش را در ایران دشمن اصلی می شمارند، ولی در عمل جهت گیری عمده را از دست داده اند و عمده تلاش خود را یا در جهت نادرست و یا در جهات فرعی بکار می برند. از یک طرف ما با قشری های مذهبی روبرو هستیم که می کوشند تسلط انحصاری خود را بر همه زمینه های زندگی اجتماعی و سیاسی و فرهنگی کشور برقرار سازند، و چون در این راه با مقاومت نیروهایی برخورد می کنند که با انحصارطلبی مخالفت دارند، به شیوه های تهمت و افترا متوسل می شوند.

نمونه بارز این شیوه برخورد در مراسم دفن و یادبود آیت الله مطهری به طور چشمگیری دیده شد. همه می دانیم که امام خمینی بارها در اظهار نظرهای روشن خویش تأیید کرده اند که توطئه قتل آیت الله مطهری و سرلشگر قره نی، بدون تردید عمل امپریالیست های امریکایی، صهیو نیست ها و ساواکی ها بوده است. ولی علیرغم این سمت دهی روشن امام خمینی، **نیروهای افراطی راست قشری**، دشمن اصلی، یعنی امریکا و اسرائیل را، بکلی در سایه فراموشی گذاشتند. و توده های وسیعی را، که بر اثر از دست دادن یکی از رهبران خود به حق برافروخته بودند، علیه نیروهای چپ (یعنی یک دشمن اختراعی، که کوچکترین ارتباطی با این جنایت و این گونه جنایت ها نمی توانند داشته باشند) منحرف ساختند. ولی زندگی واقعی نیرومندتر از هر اتهامی است. تحریف واقعیت، هر قدر هم که مردم فریب باشد، بالاخره فاش می شود. ما شاهد آن هستیم که مردم میهن پرست کشور ما، دشمن واقعی آزادی و استقلال خود را، از میان گرد و غبار تاریکی آور منحرف کنندگان، به درستی می شناسند. نظیر این برخورد از سوی دیگر نیروهای افراطی، یعنی از سمت چپ کاملاً مشهود است.

در بسیاری از موضع گیری های سیاسی اجتماعی نیروهای جوان انقلابی، زیر پرچم چریک های فدائی خلق و همچنین در عمل سیاسی روشنفکران میهن پرستی که زیر پرچم عمومی «مبارزه در راه آزادی های دموکراتیک» در آمده اند، چنین برخورد نادرستی مشهود است. در این گونه برخوردها، «عمده» جای خود را به مسایل «فرعی» و **اگذار می کند و پی آمدهایی ببار می آورد که درست در جهت عکس خواست عمده روز جنبش انقلابی ما است، یعنی نه در جهت گردآوری همه نیروها علیه دشمن اصلی، بلکه در جهت تفرقه افکنی و به جان هم اندازی این نیروها.**

سخن کوتاه، به نظر ما موضع گیری نادرست و در مواردی نارسای افراطی راست و چپ در مسئله مرکزی، یعنی شناخت دشمنان اصلی انقلاب و برگزیدن سمت گیری عمده مبارزه روز برای منفرد ساختن و خنثی کردن دسیسه های دشمن اصلی، به زیان جدی جنبش انقلابی است و ناخواسته موجبات تفرقه و پراکندگی را در صفوف مبارزان خلق فراهم می سازد و به کامیابی دسیسه های دشمن اصلی کمک می رساند.

جانشین ساختن مبارزه علیه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، و صهیونیسم و ارتجاع ایران با مبارزه علیه «کمونیسم» از یک سو و جانشین ساختن مبارزه

علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع با مبارزه علیه «آخوندیسم» از سوی دیگر، موجب تفرقه نیروهاست و به طور عینی آبی است که به آسیاب دشمن اصلی انقلاب، یعنی امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع سیاه ایران ریخته می شود.

حزب توده ایران بر آنست که در هیچ صورت، هیچ عاملی، هیچ تحریکی و هیچ فشاری نباید نیروهای انقلابی را از موضع اصولی خود در مبارزه علیه دشمنان اصلی انقلاب ایران روگردان سازد.

نیروهای انقلابی باید تمام کوشش خود را متوجه آن سازند که برای دشواری های اجتماعی عظیمی که بر سر تثبیت و تعمیق دستاوردهای انقلاب ایران قرار دارد و هر روز به وسیله دشمنان انقلاب قرار داده می شود، راه حل های اصلی و علمی و درست پیدا کنند. در ارتباط با این وظیفه اصلی انقلاب کشورمان در لحظه کنونی، حزب توده ایران نظر خود را در زمینه پنج بخش عمده زندگی اجتماعی کشور، یعنی مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و ملی بیان می دارد و از همه نیروها و احزاب، سازمان ها، گروه ها و شخصیت های سیاسی می خواهد که نظر خود را در این زمینه با روشنی و صراحت در پیشگاه افکار مردم قرار دهند.

1- مسایل سیاسی

عمده وظیفه نیروهای ملی و انقلابی در زمینه مسائل سیاسی در لحظه کنونی عبارت است از پاره کردن همه بندهای اسارت امپریالیستی، که بدست جنایتکار شاه خائن و دستیارانش بر میهن ما تحمیل شده و تبدیل ایران به کشوری مستقل و غیر متعهد. روشن است که این کار تنها با «اعلام» درست نمی شود و به اصطلاح مردمی، با حلوا گفتن دهان شیرین نمی گردد، باید قراردادهائی را که این اسارت ملی را «چهار میخ» کرده اند، از هم درید و به تعهدات تحمیلی امپریالیستی خاتمه داد.

نیروهای راستین انقلابی خواستار آنند که این قراردادها بلافاصله علنی شوند و محتوی جنایت بار آن ها به اطلاع مردم برسد، غیرقانونی بودن آن ها رسماً اعلام گردد و برای احقاق حقوق مردم ایران، که برپایه این قراردادهای تحمیلی، از دست رفته اند، دولت ایران، با اتکاء به پشتیبانی نیرومند مردم ایران و نیروهای ضد امپریالیستی سراسر جهان، وارد میدان مبارزه گردد.

برخورد نیروهای سازشکار به کلی غیر از این است. شیوه عمده این نیروها پنهان کاری، بزرگ کردن اشکالات (!) کار و در نتیجه به درازا کشاندن تصمیمات است. همه مردم می دانند که اسارت بارترین قراردادهای تحمیلی به مردم ایران قرارداد خائنانه کنسرسیوم نفت و قرارداد دو جانبه نظامی با امریکا، و به گفته سخنگویان دولت، نزدیک به هزار قرارداد اسارت بار دیگر وابسته به آن است. نیروهای میهن پرست ایران حق دارند نسبت به این روش پنهان کاری و حل و فصل مسائل در پشت پرده استتار ابراز سوء ظن نمایند. مردم ایران در یک نبرد زندگی و مرگ علیه امپریالیسم امریکا و رژیم دست نشانده اش گام گذاشتند و ده ها هزار کشته دادند، تا از راه انقلابی، مسایل حیاتی سرنوشت خویش را حل کنند، نه این که با پنهان کاری و عدم قاطعیت، فرصت های تاریخی از دست برود و امکان داده شود که گرگ های خون آشام پوست های بره بر تن کنند و با ماسک دوست به مردم ایران جا رده شوند.

درست است که در زمینه حل برخی مسایل سیاسی، تاکنون از طرف دولت یک رشته اقدامات مثبت انجام گرفته است، ولی در زمینه حل عمده ترین مسئله سیاسی، یعنی مناسبات با امپریالیسم امریکا دولت آقای مهندس بازرگان در مواضعی قرار گرفته، که نمی تواند مورد تایید نیروهای انقلابی و ملی قرار گیرد.

آیا ضرور بود قطعنامه سنای امپریالیستی و صهیونیستی ایالات متحده امریکا صادر شود تا این نیروها یادشان بیفتد که باید مردم را علیه مداخلات امپریالیسم آمریکا و همدستانش در امور داخلی ایران تجهیز کرد؟ آیا ما هر روز و هر لحظه شاهد این گونه دخالت های بی شرمانه امپریالیسم امریکا و سایر امپریالیست ها نیستیم؟ برخی از مقامات دولتی جسته و گریخته می گویند که محافل اقتصادی غرب ما را تحت فشار غارتگرانه قرار داده اند، کشتی های بازرگانی ایران را توقیف می کنند و اعتبارات ما را محدود می سازند. چرا دولت موقت این فشارها را فاش نمی کند و از مردم انقلابی ایران برای مقابله با آن کمک نمی خواهد.

در این امر حیاتی موضع گیری نیروهای راست و چپ افراطی نیز شایان توجه است. انگار که برای این نیروها یک چنین امر مهمی در زندگی سیاسی میهن ما وجود ندارد و یا اگر وجود دارد، از اهمیت ویژه ای برخوردار نیست. آیا شایان توجه نیست که در تظاهرات گوناگون، چه به مناسبت ترور آیت الله مطهری و چه بمناسبت صدمین سال زاد روز دکتر مصدق، از این مسئله مهم، که با سرنوشت انقلاب ایران پیوند دارد، یادی به عمل نیامد؟ آیا این برخورد، گویای این واقعیت نیست که این نیروها مطلب عمده را فراموش کرده اند و مردم را با جزئیات و یا به سوی سراب ها متوجه می سازند.

2- مسایل اقتصادی

بدون تردید سرنوشت انقلاب ایران، در درجه اول و به طور تعیین کننده، وابسته به حل دشواری های اقتصادی است که اکنون میهن ما با آن روبرو و دست به گریبان است. حل درست، یعنی حل ملی و خلقی این دشواری ها، پیروزی انقلاب را تثبیت می کند و دستاوردهای آن را در جهت تامین منافع اکثریت ده ها میلیونی مردم زحمتکش گسترش می بخشد، و بر عکس، کوشش برای حل این دشواری ها در چهارچوب منافع سرمایه داری بزرگ و وابسته، انقلاب را عقیم کرده سرانجام با ناکامی روبرو خواهد ساخت.

اساسی ترین راه ها برای گشودن گره های آن کلاف سردرگمی که بر اثر مختل شدن نظام اقتصادی وابسته در کشور ما پدید آمده است عبارتند از:

الف - براه انداختن چرخ اقتصاد فلج شده، و در ارتباط مستقیم با آن، حل مسئله دردناک بیکاری.

ب - تبدیل ریشه ای اقتصاد وابسته به امپریالیسم به اقتصاد مستقل ملی.

پ - تبدیل اقتصاد مبتنی بر غارت بی بند و بار ثروت ملی و محصول کار زحمتکشان به اقتصاد متکی به منافع خلق.

در ارتباط با این مسایل عمده اقتصادی، ما به چهار برخورد که نماینده گرایش سیاسی مشخص جامعه ماست، روبرو هستیم:

1- ضد انقلاب، در درون کشور، از یک سو با دست های زیاد و نیرومندی که در سازمان دولتی و در محافل بالای اقتصادی دارد، در هر گونه راه حل منطقی کارشکنی می کند و کوشش های عناصر انقلابی و دلسوز انقلابی را فلج می نماید، و از سوی دیگر با کمک عوامل بی شمار ساواک و وابستگان آن، که در همه گرو های سیاسی چپ و راست و حتی در ارگان های اجرایی انقلابی، رخنه کرده و ریشه دوانده اند، می کوشد با دادن شعارهای تند از راست و «چپ»، در همه جا محیط را متشنج سازد و کامیابی هر گونه تلاش عقلایی را، حتی برای پیدا کردن راه حل های موقت و محدود، غیرممکن گرداند.

محافل امپریالیستی غارتگر می کوشند با استفاده از وابستگی همه جانبه اقتصاد ایران به اقتصاد کشورهای امپریالیستی، از راه وارد آوردن فشارهای اقتصادی، از مشکلات موجود به سود خود حداکثر بهره برداری را کنند. در این زمینه عدم قاطعیت انقلابی و بی نقشه بودن دولت موقت، برای آن ها کمک بزرگی است. عمل این محافل صد در صد با عمل ضد انقلاب در ایران هماهنگ و دارای هدف مشترک است.

هدف این محافل امپریالیستی، دست به دست با ضد انقلاب در ایران، این است که روند بازسازی اقتصادی میهن ما را فلج سازند و از این راه نارضایی مردم را دامن زنند و آتش هرج و مرج و طغیان را برافروزند و با آن، شرایط را برای به قدرت رسیدن رژیم وابسته ای، از نوع قدیم و یا از نوع جدید آماده سازند.

2- محافل سازشکار وابسته به سرمایه داری بزرگ ایران می کوشند مشکلات اقتصادی را در چهارچوب تامین و تثبیت منافع خود حل کنند. راه حل پیشنهادی آنان، در درجه اول برای براه انداختن چرخ فلج شده اقتصادی و حل مسئله بیکاری، پوست کنده این است که: دولت همه امکانات مالی خود را در اختیار مقاطعه کاران و سرمایه داران بزرگ بگذارد و با استفاده از روش های سختگیرانه علیه زحمتکشان و محدود ساختن خواست های بحق شان، همه راه ها را برای براه انداختن «چرخ های اقتصادی» (!)، یعنی برای براه انداختن چرخ های غارت بی بند و بار، مانند گذشته، هموار سازد. این سمتگیری در اظهارات آقای نزیه، رییس شرکت ملی نفت ایران، در کنگره حقوق دانان با روشنی بازتاب یافت.

پیش بینی پیامد این راه پیشنهادی محافل سرمایه داری بزرگ ایران دشوار نیست. دولت با شرایط مناسب اعتبارات وسیعی را، که از درآمد نفت به دست می آید، به مقاطعه کاران و سرمایه داران وابسته و صاحبان تاسیسات بزرگ کشاورزی واگذار می کند. اکثر این گروه ها، همانطور که در گذشته عمل کرده اند، بخش عمده این اعتبارات را از راه های گوناگون به بانک های خارجی منتقل خواهند ساخت و پس از چندی، دوباره با کیسه خالی، در مقابل خزانه دولت صف خواهند کشید و با تهدید به خواباندن چرخ های اقتصادی، خواستار وام ها و اعتبارات جدیدتر خواهند شد.

درست است که دولت آقای بازرگان، تاکنون به بهانه موقتی بودن خود، هیچ گونه نقشه همه جانبه ای برای بازسازی اقتصادی، برای تبدیل اقتصاد وابسته به اقتصاد ملی، برای تبدیل اقتصاد غارتگرانه به اقتصاد خلقی نکرده است، ولی آنچه که از تصمیمات و اظهار نظرهای اخیر رییس دولت می توان استنباط کرد، سیاست دولت فعلی تنها متوجه گره اول است و راهی نیز که دولت برای گشودن این گره برگزیده، همان راه بی سرانجام محافل راست سرمایه داری ایران است.

به نظر ما، پافشاری دولت در ادامه این سمت گیری، گره مشکلات را باز نخواهد کرد و برعکس آن را پیچیده تر. دشوارتر خواهد نمود.

3- نیروهای متکی به خلق خواستار آنند که گره پیچیده مشکلات اقتصادی، با سمتگیری دفاع از منافع ملی در برابر تجاوزات امپریالیستی و منافع توده های میلیونی زحمتکشان شهر و ده در برابر تجاوزات غارتگرانه طبقات حاکمه سرمایه دار و زمین دار بزرگ وابسته به رژیم سرنگون شده و امپریالیسم باز گردد.

برداشت ما از محتوی نظریات اقتصادی امام خمینی و هواداران ایشان، که از یک سمتگیری دفاع از خواست های بحق «مستضعفین» در برابر تجاوزات «مستکبرین» پیروی می کنند، در همین چارچوب است.

اگر بخواهیم این چهارچوب را در زندگی اقتصادی روزمره پیاده کنیم، به نتایج مشخص زیرین، که یگانه راه گشایش گره های پیچیده مسایل اقتصادی و یگانه ضامن تثبیت پیروزی انقلاب است، خواهیم رسید.

الف - کلیه تاسیسات صنعتی، مالی، بازرگانی و ترابری متعلق به امپریالیست ها و به وابستگان سرنگون شده، یعنی سرمایه داران بزرگ وابسته به انحصارهای امپریالیستی و رژیم سرنگون شده، را باید بی درنگ مصادره و ملی کرد و اداره این تاسیسات را به گروه های برگزیده شده از سوی کارگزاران و کارمندان و مهندسان و مدیران واگذار نمود و اعتبارات کافی در اختیار آنان گذاشت و کمک های فنی و مادی لازم را به آن ها رسانید.

ب - در مورد تاسیسات مونتاز، که به راه افتادن آن ها با رسیدن مستقیم قطعات از کشورهای تولید کننده اصلی در ارتباط است، باید با تجدید نظر در قراردادهای موجود، شرایط آغاز فوری کار را فراهم کرد و با تنظیم نقشه های دراز مدت، شرایط فنی و مادی ضرور برای تبدیل این تاسیسات را به تاسیسات خود کفا و بدون وابستگی به امپریالیسم آماده ساخت و در صورت لزوم تغییر کامل رشته تولیدی این تاسیسات را برنامه ریزی و عملی کرد. باید کارگران و کارکنان فنی و اداری را، که برای نان روزمره خود علاقمند به براه افتادن چرخ های تولید هستند، در اداره این تاسیسات از راه سازمان های صنفی کارگران و شوراهای انتخابی همه کارکنان، شرکت داد و متعهد ساخت و به آنان اعتماد کرد. اینست راه ملی و خلقی گشایش گره های پیچیده اقتصادی.

پ - در مورد صنایع و تاسیسات کشاورزی و کارگاه های ساختمانی متعلق به سرمایه داران ملی غیروابسته، نظر حزب توده ایران اینست که دولت باید برای براه انداختن هر چه زودتر آن ها، اعتبارات ضروری و کمک های همه جانبه مبذول دارد، با این شرط که این اعتبارات و کمک ها صرفا برای براه انداختن تولید مصرف گردد، و برای تحقق این امر نیز یک کنترل دو جانبه، از جانب دولت و از جانب سازمان های صنفی کارگران و کارمندان این موسسات ضروری است.

ت - در مورد بیرون آوردن اقتصاد کشاورزی از بحران کنونی، یگانه راه، ملی کردن تاسیسات بزرگ کشاورزی متعلق به سرمایه های امپریالیستی و وابستگان سرنگون شده و اداره آن ها با کمک مدیریت مورد اعتماد سازمان های صنفی کارگران و همکاری شوراهای انتخابی از طرف همه کارکنان، مصادره اراضی کشاورزی بزرگ متعلق به زمین داران بزرگ و تقسیم آن بین دهقانان بی زمین و کم زمین، کمک به ایجاد شرکت های تعاونی تولید و مصرف برای این کشاورزان و رساندن کمک های فنی و کود به آنان و ایجاد یک سیستم دولتی خرید عادلانه و جمع آوری سریع محصولات از واحدهای کوچک و متوسط تولید کشاورزی است. اینست به نظر ما آغاز برون رفت از بحران عمیقی که اقتصاد کشاورزی کشور را فرا گرفته است.

در این زمینه، نقش سازمان های واقعی صنفی زحمتکشان شهر و روستا اهمیت تعیین کننده ای دارد و هر گونه تلاش برای فلج کردن و یا تجزیه این سازمان ها و یا محدود ساختن تاثیر آن ها در جریان بازسازی اقتصاد و نوسازی آن در جهت دفاع از منافع زحمتکشان، زیان های جبران ناپذیر به روند تثبیت پیروزی انقلاب وارد می سازد و راه را برای دسیسه های خرابکارانه ضدانقلاب هموار می کند.

تنها از این راه است که می توان، در مدت کوتاه، با اعتبارات کمتر، به بهترین کیفیت و بالاترین کمیت، چرخ های اقتصاد را براه انداخت، برای مشکل بیکاری راه حل عملی پیدا کرد، شرایط را برای تبدیل ریشه ای اقتصاد وابسته به امپریالیسم به اقتصاد مستقل ملی آماده نمود و غارتگری بی بند و بار ثروت های ملی و محصول کار زحمتکشان به وسیله سرمایه های امپریالیستی و سرمایه های وابسته لجام زد.

ث - نکته مهم دیگری که در زمینه مسایل اقتصادی مطرح است، موضوع تامین زندگی مناسب تر برای زحمتکشان شهر و روستا است. تردیدی نمی توان داشت که توده های میلیونی کارگران و سایر زحمتکشان که فعالانه در انقلاب شرکت کردند و جانپازی نمودند، انتظار داشتند که نظام انقلابی به غارت های امپریالیستی و رژیم سرمایه داری وابسته به آن پایان دهد و برای زحمتکشان شرایط روز به روز بهتر و مناسب تری را برای کار و برای برداشت از محصول کارشان فراهم نماید. درست است که با دشواری های پیدا شده و بر اثر فروریزی نظام غارتگر، برآوردن همه خواست های زحمتکشان بلافاصله و حتی در زمان کوتاه ممکن نیست، ولی ما اطمینان داریم که زحمتکشان ایران، در صورتی که، نه تنها با وعده های توخالی و پوچ، بلکه با ارایه نقشه های روشن و قابل دفاع قانع شوند

که روند سیاست دولت در حل مشکلات اقتصادی، روندی است که بر پایه دفاع از زحمتکشان در مقابل غارتگران استثمارگر استوار است، آماده خواهند بود که باز هم محرومیت‌ها را تحمل کنند و با تمام نیروی خود برای ساختن نظامی که خواست‌های به حق آن‌ها را برآورده نماید، عملاً و بی دریغ همکاری کنند. این وظیفه احزاب و سازمان‌های سیاسی پشتیبان انقلاب است که با همکاری وسیع در یک «جبهه متحد خلق» چنین نقشه همه جانبه‌ای را برای لجام زدن به بحران اقتصادی موجود و بیرون آمدن از آن، طرح ریزی کنند و برای پیاده کردن آن متفقاً همه نیروهای خلق را تجهیز نمایند.

با کمال تأسف باید یادآوری کرد که نیروهای افراطی چپ و راست، در عین این که به اهمیت حل مسایل اقتصادی، به عنوان مهمترین مشکل دوران تثبیت پیروزی انقلاب آگاهند، در عمل نه تنها برای پیدا کردن و دفاع پیگیرانه از راه حل عقلایی کوشش نمی‌نمایند، بلکه برعکس، در جریان تلاش برای رسیدن به هدف‌های محدود و تنگ نظرانه و انحصارطلبانه سیاسی، باز هم «عمده» را با «فرعی» جابجا می‌کنند.

بهترین گواه برای صحت این ادعای ما اینست که، هیچیک از این دو نیرو تاکنون نه تنها نقشه مشخص و روشنی برای بازکردن گره‌های پیچیده اقتصاد فلج شده کشور پیشنهاد نکرده‌اند، بلکه هرگز آمادگی نشان نداده‌اند که در یک گفتگو و تبادل نظر برای بررسی پیشنهادهای مشخص حزب ما شرکت جویند. آن‌ها تنها می‌کوشند که این موضع‌گیری خود را پشت پرده‌ای از افترا و دشنام (آن هم متأسفانه اغلب در سطوحی بسیار پایین و ناشایست) بپوشانند.

تصادفی نیست که برای این نیروها، از یک سو حادثه روزنامه «کیهان» و از سوی دیگر مسایلی پیرامون روزنامه «آیندگان»، به مسئله عمده سیاست روز تبدیل می‌شود، ولی حل مهمترین مسئله‌ای که جامعه ما با آن روبرو است، اصلاً جایی را در تبلیغات و اقدامات سیاسی آنان اشغال نمی‌کند.

البته این «بی‌توجهی» و «فراموشی» از طرف گروه‌های راست و «چپ» سیاسی وابسته به سرمایه داری ایران قابل درک است، زیرا بدون این که بخواهند علناً به آن اعتراف کنند، راه حلی جز آنچه محافل راست سرمایه داری سازشکار پیشنهاد می‌کنند، ندارند. ولی آنچه قابل درک نیست، **موضع‌گیری آن نیروهایی است که خود را هوادار نابود کردن «استثمار فرد از فرد» معرفی می‌کنند. پرسش ما از این دوستان اینست که چه برنامه‌ای برای این منظور خود دارند؟ و چه رشته از اقدامات ضرور و گام به گام را برای رسیدن به این هدف پیشنهاد می‌کنند؟**

باز هم سخن کوتاه، به نظر حزب توده ایران، «مشکل اقتصادی»، مهمترین و بزرگترین مشکل جامعه کنونی پس از انقلاب اخیر میهن ماست. سرنوشت انقلاب ایران به سرانجام حل این مشکل بستگی کامل و همه جانبه دارد. نیروهای راستین انقلابی و ملی ایران باید توجه اساسی و عمده خود را به پیدا کردن راه حل عقلایی و عملی این مشکل معطوف دارند.

3 - مشکل اجتماعی

با انقلاب ایران نظام سلطنت استبدادی وابسته به امپریالیسم فرو ریخت و پی‌ریزی نظام جدید ملی و ضد استبدادی در چارچوب جمهوری اسلامی در جریان است. همه نیروهایی که در این انقلاب فعالانه شرکت داشتند، چه پیش از پیروزی انقلاب و چه پس از آن، پیوند ناگسستنی خود را با اصول آزادی، به عنوان پایه اساسی نظام جدید، اعلام داشته و می‌دارند. درست است که امروز مردم ایران از آزادی‌های بسیار برخوردارند، ولی به هیچ وجه نمی‌توان توات نادیده گرفت که نیروهای تاریکی که این آزادی‌ها را بشدت مورد تهدید قرار می‌دهند، با نقاب‌های گوناگون، آشکار و نهان، گرم فعالیتند. هم اکنون می‌توان گفت که این

آزادی هنوز تحکیم نیافته، از همه سو، یعنی از سوی ضد انقلاب، از سوی افراتیون راست و افراتیون چپ مورد تهدید جدی قرار گرفته است.

ضد انقلاب با بهره برداری از آزادی موجود، به هر وسیله ای دست می یازد تا ریشه نهال آزادی را خشک سازد. ضد انقلاب به دست عناصر خود همه جا می کوشد آزادی را، از یک طرف به صورت هرج و مرج و از طرف دیگر به صورت عامل فلج کننده در آورد، و از این دو راه مردم را از آزادی روگردان سازد.

شایان توجه این است که عمال ضد انقلاب، این مبارزه علیه آزادی را، ماهرانه به نام دفاع از مذهب انجام می دهند، همان طوری که توطئه های تروریستی خود را علیه رهبران مذهبی و سیاسی زیر پرده هواداری از مذهب اسلام انجام داده اند.

مردم ایران از یاد نبرده اند که رژیم شاه - ساواک هم بخش عمده ای از سیاست ضد ملی، ضد دموکراتیک و ضد خلقی خود را زیر پوششی از مذهب نمایی و به دست گروهی روحانی نمای مزدور عملی می ساخت.

مبارزان توده ای بارها شاهد آن بوده اند که گروه های مائوئیستی، زیر پوششی از جملات مارکسیستی، همان شعارها و شیوه های عمل ضد انقلاب را در ایجاد تحریک و تفرقه، در به هم زدن تظاهرات ضد امپریالیستی به کار برده اند و، هر روز با نمونه ای تازه از این تحریکات مواجه می شویم.

با کمال تاسف باید گفت که عمل گروه های افراتی راست و چپ هم، در مبارزه علیه آزادی های فردی و اجتماعی، کمتر از عمل ضد انقلاب زیان بخش نیست، آن ها آزادی را در چهارچوب آزادی مطلق برای خود و محدود کردن آزادی برای مخالفان و یا رقیبان سیاسی خود می پذیرند و برای تحمیل این «آزادی» از توسل به شیوه های نادرست و حتی مخالف و مغایر آزادی خودداری نمی کنند.

از بسیاری از شهرها و روستاها و حتی نقاط مختلف تهران خبر می رسد که گروه های بی مسئولیت، فعالیت آزاد احزاب، سازمان ها و گروه های سیاسی و فرهنگی را مورد تهاجم قرار می دهند، کلوب های سازمان های مخالف خود را به نام دفاع از جریانات «قشری» ویران می سازند، کیوسک ها و کتابفروشی هایی را که روزنامه و نشریات سازمان ها و گروه های سیاسی چپ را بفروشنند، آتش می زنند، کتابسوزان راه می اندازند، چاپخانه ها را تهدید می کنند و زیر نام «حزب الله» به تظاهرات میهن پرستانه و ضد امپریالیستی با چوب و چماق حمله می کنند. از جمله در خرم آباد به دانشگاه حمله کرده و کتابخانه دانشگاه را نابود ساخته اند.

حزب توده ایران ضمن این که نمی خواهد به این پدیده های ارتجاعی، که بدون شک سرنخ آخری آن به دست عمال امپریالیسم و ساواک است، بیش از آنچه که هست، بها دهد، یادآور می شود که اگر این عملیات خرابکارانه از طرف مراجع رهبری انقلاب به طور جدی محکوم نگردد و از طرف مقامات دولتی و سایر مراجع نظم و امنیت اجتماعی به طور جدی و پیگیر جلوگیری نشود، پدیده های هرج و مرج، که دشمن آزادی واقعی است، هر روز بیشتر بروز خواهند کرد.

به نظر حزب توده ایران، خنثی کردن دسیسه های ضد انقلاب علیه آزادی، تنها از راه اتحاد و مبارزه مشترک همه هواداران راستین آزادی واقعی و مشخص - نه آزادی انتزاعی - یعنی آزادی بیان، قلم، احزاب، سندیکاها، اجتماعات و غیره در راه تثبیت و گسترش و پیشبرد دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک و خلقی ممکن است.

به نظر ما هرگونه کوشش برای محدود کردن این آزادی، همانقدر محکوم است که هرگونه کوشش برای سواستفاده از آزادی برای ایجاد تفرقه، گمراه کردن و منحرف ساختن افکار عمومی و توجه مردم از مسایل عمده انقلاب اجتماعی در ارتباط با این تجاوزات به آزادی و برخی پیشامدهای دیگر، در هفته های اخیر در محافل سیاسی روشنفکران ایران سر

و صدای پر دامنه ای درباره «خطر فاشیسم» مذهبی بلند گردید و همه مسایل عمده اجتماعی ایران را تحت الشعاع خود قرار داد. در این باره ما به صراحت اعلام می داریم که با وجودی که حرکات مشخصی، از طرف برخی گروه های انحصارطلب و راست گرای قشری برای محدود کردن آزادی در این گوشه و آن گوشه دیده می شود، در لحظه کنونی خطر عمده علیه آزادی در ایران از این سمت نیست، بلکه به طور عمده از سوی ضد انقلاب است که می کوشد، با فلج کردن روند بازسازی جامعه، شرایط را برای بازگشت خود به قدرت آماده سازد. باید این توطئه ها را در همه چهره هایش شناخت و با شکست روبرو ساخت. ضد انقلاب می کوشد نارضایی حاصله از این گونه زیاده روی ها را (که بدون تردید بخشی از آن ها را خود تدارک می ببندد، و ماهرانه بر روی صحنه می آورد) علیه رهبری سیاسی امام خمینی، که با قاطعیت و پیگیری مواضع پیشین خود را در جهت ریشه کن ساختن تسلط امپریالیسم امریکا و صهیونیسم و رژیم شاه مخلوع و در جهت بهبود شرایط زندگی زحمتکشان شهر و روستا ایستاده است، متوجه سازد. امپریالیسم در گستردن این گونه دام ها بر سر راه مبارزان جوان و کم تجربه استادیست کهنه کار.

شرط اساسی برای تحکیم و تثبیت آزادی های دموکراتیک، تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی، یعنی نظام جدید ملی، دموکراتیک و خلقی است. همه نیروهای ضد امپریالیست باید هم خود را بر این بگمارند که این قانون هر چه زودتر تهیه و به بررسی همگانی گذاشته شود، با نظریات اصلاحی مردم تکمیل گردد و به تصویب مجلس موسسان برسد. تنها همکاری همه نیروهای ملی و آزادیخواه متکی به منافع خلق می تواند این قانون اساسی را به صورت یک سند تضمین کننده تثبیت و گسترش دستاوردهای انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی ما پی ریزی نماید.

حزب توده ایران یکبار دیگر پیشنهاد خود را در مورد ضرورت فوری یک گردهمایی همه نیروهای دوست، ضد امپریالیستی و خلقی، بمنظور اتخاذ یک روش هماهنگ در این زمینه مطرح می سازد و امیدوارست که روشن بینی سیاسی بر پیشداوری ها و اختلاف نظرهای عقیدتی غلبه نماید.

در این زمینه، باز هم با روشنی اعلام می داریم که آنچه برای حزب توده ایران دارای اهمیت تعیین کننده است، محتوی واقعی هر پدیده، هر نظام اجتماعی است، نه پوسته خارجی و نامگذاری آن. اگر محتوی یک نظام اجتماعی از منافع ملی ما علیه امپریالیسم و از منافع توده زحمتکش و رنجبر کشور علیه غارتگران دفاع کند، و آزادی همه مردم را صرفنظر از اعتقادات سیاسی و مذهبی و فکریشان تضمین نماید، کشور ما را به کشوری مستقل، و صلح دوست، مبدل کند و آن را در جرگه کشورهای غیرمتعهد وارد سازد، در سیاست جهانی از مبارزات خلق های محروم علیه امپریالیسم جهانخوار و متجاوز، علیه رژیم های فاشیستی و نژادپرست پشتیبانی نماید، یک چنین نظامی مورد پشتیبانی کامل ماست.

4. مشکلات در زمینه حقوق ملیت ها

یکی از مشکلات انقلاب ایران مشکل ملی است، که حل درست و عقلایی آن، می تواند جامعه ما را یک گام بزرگ به جلو ببرد، و جلوگیری از آن، می تواند به ایجاد کانون های تفرقه و ناامنی و دسیسه های استعماری میدان دهد.

استفاده از زبان مادری برای تکلم و آموزش، استفاده از فرهنگ ملی برای زندگی هر روزه و استفاده از آزادی برای برگزیدن اداره کنندگان زندگی اجتماعی، از حقوق اولیه هر خلق آزاد است.

حزب توده ایران، از همان اولین روزهای موجودیت خود، دفاع از این حقوق را برای همه اقلیت های ملی، که در سرزمین ایران زندگی می کنند، بدون تزلزل در برنامه سیاسی خود جای داده و همواره به طور پی گیر از آن دفاع کرده و می کند.

حزب توده ایران احترام و شناسایی این حقوق ملی، یعنی خودمختاری اداری و فرهنگی برای خلق های غیرفارسی زبان ایران را، به هیچ وجه مغایر با اصل دفاع از وحدت ملی ایران در چهارچوب خدشه ناپذیر تمامیت ارضی کشور نمی داند، بر عکس، احترام به حقوق ملی را، یکی از مهمترین پایه های تامین وحدت واقعی داوطلبانه و ملی می شمارد.

در عین حال ما صریحا اعلام می کنیم که هر قدر حل این مشکل به طول انجامد، امکان بهره برداری زیان بخش و فساد انگیز از آن بدست دشمنان ملی ما، یعنی عمال سرسپرده امپریالیسم و صهیونیسم و وابستگان رژیم سرنگون شده، بیشتر و بیشتر خواهد شد. امپریالیسم و ارتجاع می کوشند مشکل ملی را، به عنوان یکی از جنگ افزارهای زهرآلود خود علیه نظام ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی بکار اندازند، تنها حل عقلایی و منطقه مسئله ملی است که می تواند زمینه را برای تحریکات عوامل دشمن نامساعد سازد و اتحاد خلق های سرزمین ایران را در روند بازسازی و نوسازی کشور تامین نماید.

با کمال تاسف باید بپذیریم که هم اکنون، در نتیجه تعلل و ناپیگیری دولت موقت در حل این مسئله میزم، در کردستان، خوزستان، بلوچستان و در میان خلق ترکمن و همچنین در میان دیگر گروه های ملی در ایران، بدست عوامل سرشناس امپریالیسم و رژیم سابق تحریکات پر دامنه ای سازمان یافته و یا در حال سازمان یافتن است. ضد انقلاب در این زمینه با تمام نیرو مشغول تلاش است و این میدان را یکی از مساعدترین میدان ها برای فعالیت مخرب خود می داند.

حزب توده ایران آنقدر برای گشودن هر چه سریع تر این گره اهمیت قائل است که پیشنهاد می کند، بی درنگ وزارتخانه ویژه ای برای حل مسئله ملی تاسیس گردد. تاریخ سراسر جهان نشان داده است که حل این دشواری، جز از راه تقاهم نیروهای مترقی و خلقی از هیچ راه دیگری میسر نیست. با استفاده از نسخه های کهنه و پوسیده اعمال قهر و دادن رشوه سیاسی به «منتقدین» و «طبقات حاکمه» می توان داروی مسکن برای زمان کوتاهی تهیه کرد، ولی درمان درد از این راه مطلقا میسر نیست.

در عین حال، حزب توده ایران توجه نیروهای ملی و انقلابی را، که هوادار راستین حل مسئله ملی در چهارچوب انقلاب ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی ایران هستند، به این واقعیت جلب می کند که در لحظه کنونی، جهت عمده مبارزه همه نیروهای انقلابی ایران، علیه امپریالیسم و بازماندگان رژیم سرنگون شده پهلوی است و حلقه اساسی این نبرد، بازسازی اقتصادی و تامین آزادی و امنیت اجتماعی است. باید با تمام قوا از آن پرهیز کرد که در این مبارزه حیاتی، مسایل مربوط به تامین حقوق ملی، که با وجود اهمیتشان، در تناسب با مسئله عمده انقلاب در مرحله کنونی، جنبه فرعی دارد، به مسئله عمده مبدل شود و در جبهه متحد همه نیروهای ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی ایران شکاف بوجود بیاورند و در بدترین حالت، نیروهایی را که باید متحداً برای تثبیت و تعمیق عمده ترین دستاوردهای انقلاب در صف واحدی مبارزه نمایند، به جان هم اندازند.

5. امنیت ملی و امنیت اجتماعی

همه نیروهای فعال اجتماعی کشور، در این ارزیابی هم زبان هستند که امر امنیت اجتماعی و امنیت ملی یکی از گره های درهم و پیچیده ایست که در برابر همه مردم قرار گرفته است. در این ارزیابی نیز اکثراً هم زبانند که دولت موقت هنوز سرنخ این کلاف سردرگم را پیدا نکرده است و با سمت گیری سیاسی و اجتماعی که پیش گرفته، مسلماً سرنخ را پیدا نخواهد کرد.

همه می دانیم که ضمن این که در کشور آزادی وجود دارد، **امنیت اجتماعی برای بهره گیری از این آزادی بسیار محدود است.** عوامل سرسپرده ضدانقلاب از راه ترور و

آدمکشی، از راه تجهیز خودفروختگان و ساده باوران، زیر ماسک های ماوراء چپ مائوئیستی و یا ماوراء راست قشری، برای حمله به تظاهرات میهن پرستانه و ضد امپریالیستی، به مراکز فعالیت نیروهای راستین انقلاب، آتش زدن کتابفروشی ها، و غیره و غیره امنیت اجتماعی را مختل می سازند. گروه هایی زیر ماسک های گوناگون با اعمال قهر امنیت فعالیت سیاسی و مطبوعاتی را از مخالفان خود سلب می کنند. ما شاهد آن هستیم که این گونه عملیات تحریک آمیز روز بروز وسعت بیشتری پیدا می کند. ضرورت اقدامات جدی برای تامین امنیت اجتماعی هر روز بیشتر احساس می شود.

واقعیت اینست که نظام حنایت پیشه استبداد سلطنتی در هم فرو ریخت و نظام نوین ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی در دست پی ریزی است، این پرسش برای همه مطرح است که: آیا می شود بر روی همان پایه پوسیده، که تار و پودش به امپریالیسم و استبداد سیاه وابسته است، یک نظام انسانی و خلقی را برپا ساخت؟

تمام مردم مبارز ایران به این پرسش پاسخ منفی می دهند. تجربه همه انقلاب های جهان، و از آن جمله تحولات اجتماعی کشور خودمان، این موضع گیری مردم را تایید می کند. مسلماً آن نیروها و شخصیت های سیاسی که سمتگیری خود را برای حل این مشکلات برپایه بازسازی نیروهای انتظامی کشور، بر مبنای همان کادر دوران رژیم سرنگون شده مشخص کرده اند، نمی توانند فراموش کرده باشند که در دوران مبارزه برای ملی کردن نفت هم، دکتر مصدق همین سیاست را در پیش گرفت و تصور می کرد که تنها با واگذاری چند پست فرماندهی در ارتش و پلیس و ژاندارمری وابسته به امپریالیسم و سلطنت استبدادی، به افراد میهن پرست و آزادی دوست و مورد اعتماد، این سازمان ها بعکس خود، یعنی نیروهای خادم مردم بدل خواهند شد.

ما دیدیم که در آن زمان، با این که همین تیمسار سرلشگر ریاحی رییس ستاد بود، با این که سرتیپ امینی و سرتیپ دفتری، که از معتمدین دکتر مصدق بودند ریاست کل شهربانی و ژاندارمری کشور را در دست داشتند، با این که سرهنگ ممتاز فرمانده تیپ زرهی مرکز بود و از خانه دکتر مصدق نگهداری می کرد، با این که سایر دوستان و همراهان سیاسی این افسران، یعنی افسران وابسته به جبهه ملی، تقریباً تمام پست های فرماندهی واحدهای عمده ارتش و پلیس و ژاندارمری را در دست داشتند (با توجه به اینکه در آن زمان هنوز سازمان مخوف ساواک و شاخه های سازمان های مخفی سیای آمریکا و موساد اسرائیل به اندازه امروز ریشه ندوانده بود و متشکل و مجهز نبود) چه پیش آمد و چگونه ارتش و سایر نیروهای منتظامی آلت اجرای کودتای امپریالیستی 28 مرداد گردیدند و کودتاچیان، زیر نظر فرماندهان متعهد، دسیسه جهنمی و خائنانه خود را سازمان دادند و دولت ملی دکتر مصدق را سرنگون ساختند.

در آن روزها، و حتی تا ساعت 12 صبح 28 مرداد، علیرغم همه بیدارباش های مکرر و موکد حزب ما در مورد خطر بلافاصله کودتا، دوستان و همراهان دکتر مصدق در نیروهای انتظامی به او «اطمینان» دادند (ما تردید نداریم که مسلماً خودشان هم باور داشتند) که از ناحیه ارتش، پلیس و ژاندارمری خطری وجود ندارد. و این همان اطمینانی است که به آقای بازرگان داده می شود و آقای بازرگان هم به مردم می دهد.

این تجربه تاریخی 28 مرداد، که اینقدر گران تمام شد، به مردم میهن پرست و آزادی دوست ایران بیدار باش می دهد که به اینگونه وعده ها (با اینکه در صداقت وعده دهندگان تردید نمی کنیم) اعتماد ننمایند و به پیشنهاد های آنان درباره نوسازی نیروهای انتظامی برپایه همان پی های پوسیده گذشته، با عدم اطمینان نگاه کنند. این تفاوت را هم باید در نظر گرفت که در پی پیروزی انقلاب، برخلاف دوران دکتر مصدق، عناصر وابسته به امپریالیسم و رژیم سیاه شاه مخلوع، بسیاری از امتیازات گذشته خود را و بیش از همه «آقای و

سروری» خود را از دست داده اند و مورد بغض و نفرت میلیون ها مردمی هستند که ده ها هزار نفر از جوانانشان بدست این سرسپردگان به خاک و خون غلطیده اند. از سوی دیگر کسانی که بسیاری از امتیازات گذشته خود و بیش از همه «آقای و سروری» خود را از دست داده اند، نسبت به نظام انقلابی نوین کینه تسکین ناپذیری دارند و آن را هم پنهان نمی کنند.

به همه این ها باید افزود که بخش مهمی از نیروهای سیاه دست نخورده رژیم سرنگون شده، با همه امکانات پدشته خود باقی مانده اند. همه می دانند که **هزاران مامور جنایتکار ساواک** با اسلحه، وسایل ارتباطی، رادیو و اتومبیل های ضدگلوله خود در سراسر ایران پراکنده اند، به وسیله ماموران مخفی سیای آمریکا، سازمان داده می شوند و هم اکنون تمام خرابکاری ها را اداره می کنند و خود را برای خرابکاری های وسیع تر آماده می سازند.

همه می دانند که گروه هایی از افسران وابسته به رژیم در ارتش، پلیس و ژاندارمری، هم اکنون سازمان های پنهانی بوجود آورده اند و خود را برای «لحظه تاریخی» یعنی لحظه وارد آوردن ضربه ناگهانی به نظام انقلابی آماده می سازند. برخورد با این سرسپردگان رژیم شاه مخلوع، و شاگردان مکتب سیا و موساد و ساواک نشان می دهد که آن ها با چه کین و نفرتی از انقلاب ایران و از رهبران اسلامی و نیروهای انقلابی چپ یاد می کنند و چه نقشه های جهنمی در سر می پرورانند.

دولت آقای مهندس بازرگان می خواهد با همین نیروها، همین سرهنگان و سرگردان «شازده» نیروهای انتظامی را بازسازی کند و آن ها را به سرنوشت انقلاب ایران مسلط سازد. این اشتباه تاریخی بزرگی است که اگر به موقع، و به طور قطع تصحیح نشود، برای انقلاب ایران و حتی برای خود آن هایی که این اشتباه را به مردم تحمیل می کنند، بسیار گران تمام خواهد شد.

برپایه این دوربینی و واقع بینی سیاسی است که همه نیروهای راستین انقلاب ایران، صرف نظر از اعتقادات مسلکی و سیاسی خود، یک زبان خواستار پاکسازی هر چه سریع تر نیروهای انتظامی و در درجه اول ارتش، از هواداران رژیم سرنگون شده از شاگردان مکتب امپریالیسم آمریکا هستند. بدون این پاکسازی موانع جدی در راه جنبش انقلابی به وجود خواهد آمد.

حزب توده ایران می داند که در میان افسران و درجه داران و نیروهای انتظامی شاه مخلوع، عناصر میهن پرست و آزادیخواه کم نیستند. به علاوه عده زیادی از این گونه افسران، که از خدمت برکنار شده اند، امروز آماده خدمت به انقلاب هستند. باید این عناصر میهن پرست و آزادیخواه را از سرسپردگان به رژیم سرنگون شده جدا کرد و از ترکیب عناصر میهن پرست و آزادیخواه با عناصر انقلابی، که در جریان انقلاب جان بر کف علیه رژیم شاه مخلوع جنگیدند، پایه های نیروهای انتظامی ملی و خلقی را پی ریزی کرد. این البته کاریست دشوار و پرمسئولیت و تنها در چارچوب همکاری بی شائبه همه نیروهای انقلابی، می تواند عملی گردد.

حزب توده ایران، با سایر نیروهای انقلابی و میهن پرست، که خواستار نگهداری و تقویت سپاه پاسداران انقلاب و ایجاد یک سازمان ملی و خلقی برای مبارزه با بقایای ساواک اند هم زبان است و عقیده دارد که برای ایجاد این سازمان ها باید از همه نیروهای مبارز خلقی کمک گرفته شود.

یک چنین سازمان های خلقی، هنگامی می توانند از دستبرد عناصر دشمن در امان قرار گیرند، که متکی به «جبهه متحد نیروهای انقلابی خلق» باشند و در درون آن ها زمینه مساعدی برای افشاندن تخم نفاق و چند دستگی، تخم تمایلات انحصارطلبی و تسلط جویی وجود نداشته باشد. میدان دادن به نفاق، انحصارطلبی، خشومت با آن هایی که به نحو دیگری

فکر می کنند، همیشه زمینه را برای دسیسه کاری نفاق افکنان و عوامل دشمن فراهم می سازد.

این است نظر حزب توده ایران درباره عمده ترین مسایل و مشکلات جنبش انقلابی ایران در لحظه بسیار دشوار، پیچیده و پرمسئولیت کنونی.

ما یکبار دیگر خلاصه می کنیم:

1 - دشمنان انقلاب ما، یعنی امپریالیست ها، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، با به کار انداختن همه ابزارهایشان یعنی (عوامل صهیونیسم و بازماندگان رژیم سرنگون شده) و طبقات و قشرهای زخم خورده حاکمه (یعنی سرمایه داران و زمین داران بزرگ وابسته به امپریالیسم) به دست گرو های مجهز خرابکار ساواک، به دست گروهی از هواداران خود در فرماندهی نیروهای انتظامی، به دست عوامل خود که در همه سازمان های دولتی پایگاه های محکمی دارند و حتی در سازمان های انقلابی رخنه کرده اند، با تمام نیرو توطئه می کنند و می کوشند روند تثبیت، بازسازی و نوسازی نظام نوین انقلابی را در میهن ما، فلج و مردم را ناراضی کنند و آن ها را به دام های رنگارنگ ضدانقلاب بکشانند.

2 - در چنین شرایطی، تنها از راه ایجاد همبستگی همگانی همه نیروهای انقلابی، همه نیروهای ضدامپریالیست، هوادار استقلال، تمامیت ارضی، آزادی و پیشرفت اجتماعی می توان این دسیسه های ضد انقلاب را نقش بر آب کرد و راه را برای پیشروی و گسترش انقلاب تاریخی مردم ایران هموار ساخت.

3 - حزب توده ایران عقیده دارد که یک چنین همبستگی همگانی نیروهای انقلابی، در لحظه کنونی، عملاً تنها در زیر رهبری امام خمینی امکان پذیر است، که به پاس پیگیری و قاطعیت تاریخی خود در تجهیز نیروهای خلق علیه امپریالیسم، صهیونیسم و رژیم شاه مخلوع، به پاس ایستادگی در جهت هدف های اساسی انقلاب ایران، از بالاترین اعتبار و نفوذ در میان مردم ایران برخوردارند.

4 - حزب توده ایران همه گروه های راستین هوادار انقلاب ایران را فرا می خواند که با کنار گذاشتن همه پیشداوری ها، با دست کشیدن از انحصارطلبی و تسلط جویی، با کنار گذاشتن مسایل فرعی و غیر عمده، تمام تلاش خود را برای بوجود آوردن یک چنین همبستگی همگانی نیروهای میهن پرست بکار اندازند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
تهران - خرداد 1358

منبع:

از کتاب اسناد و اعلامیه های حزب توده ایران
(از شهریور 1357 تا پایان 1358)
چاپ اول، 1359